نورالدین کیانوری

مواضع حزب تودهٔ ایران در جبههٔ نبرد داخلی و جهانی علیه امپریالیسم

www.iran-archive.com

پرسش و پاسخ

شمارهٔ ۲ (۱۲)
سال ۱۳۵۹

www.iran-archive.com

انتشارات حزب تودهٔ ایران، ۱۶ آذر، شمارهٔ ۶۸.

کیانوری، نورالدین
مواضع حزب تودهٔ ایران در جبههٔ نبرد داخلی و جهانی علیه امپریالیسم
چاپ اول، تیرماه ۱۳۵۹
حق چاپ و نشر برای شرکت سهامی خاص انتشارات توده محفوظ است.

فهرست

چگونه از گرایش ناراضی‌ها به سوی ضدانقلاب جلوگیری کنیم؟ ۵
بازهم درباره‌ٔ چریک‌ها و راه‌رشد غیرسرمایه‌داری ۸
آیا چریک‌های فدایی می‌توانند درشمار احزاب برادر قرار بگیرند؟ ۱۰
آیا شوروی گاز افغانستان را ارزان می‌خرد؟ ۱۳
فحاشی علیه حزب توده‌ٔ ایران و عکس‌العمل ما ۱۸
خطر تجاوز نظامی آمریکا چقدر است؟ ۲۴
اوضاع جهان و نقش امپریالیسم آمریکا ۲۹
آیا پیروزی انقلاب بدون همکاری باکشورهای سوسیالیستی ممکن است؟ ۳۰
حزب توده‌ٔ ایران و جریان‌های انحرافی درجنبش چپ ۳۴
نظرما درباره‌ٔ ارتش جمهوری اسلامی ۳۷
آیا افغانستان ظرفیت یک دولت مارکسیستی را دارد؟ ۳۸

www.iran-archive.com

چگونه از گرایش ناراضی‌ها به سوی ضد انقلاب جلوگیری کنیم؟

س : ما هر روز شاهد نارضایی تعداد بیشتری از افراد طبقهٔ متوسط یعنی همان قشرهای بینابینی ، در برابر دستگاه حاکمهٔ کنونی هستیم . اینها می‌توانند به ضد انقلاب بدل شوند . آیا حزب تودهٔ ایران قادر است این عناصر و نیروها را به خود جلب کند ، آنها را متشکل سازد و راه را بر ضد انقلاب ببندد ؟

ج : رفقا ! این برخورد ، درست در چارچوب همان بحثهایی است که همه دربارهٔ ۲۸ مرداد ۳۲ ، با ما می‌کنند . یعنی سوال کننده هرگز نمی‌پرسد که آیا همه‌نیروهای انقلابی می‌توانند در این مرحلهٔ خطرناک که قشرهایی از مردم ، از همین قشرهای بینابینی ، از انقلاب نومید می‌شوند ، آنها را به خود جلب کنند و با عمل متحد مانع از آن شوند که این ناراضیها بسوی سمتگیری راست و ضد دموکراتیک جلب شوند . همه مسئولیت را تنها متوجه حزب ، میدانند .

کسانی که از انقلاب نومید می‌شوند ، دو راه در پیش‌رو دارند . یکی گرایش به سوی چپ ؛ یعنی انقلابی‌تر شدن ، و دیگری گرایش به سوی عوامفریبی ها و دورغپردازیهای نیروهای راست . این افراد ، در این

www.iran-archive.com

مرحلهٔ بحرانی ،به کدام سو گرایش پیدا خواهند کرد ؟ دو عامل، بر این پدیدهٔ اجتماعی تاثیر می‌گذارد یکی عامل عینی ،یعنی شرایط و فشارهای اجتماعی و سطح‌آگاهی مردم ، و دیگری عامل ذهنی ، یعنی عمل نیروهای انقلابی . در اینجا دیگر تنها حزب تودهٔ ایران مطرح نیست ، بلکه‌تمامی نیروهای اصیل انقلابی خلقی در برابر این امر مسئولند . یعنی تمام هواداران راستین سمتگیری ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی ، از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام گرفته تا تمامی آن عناصری که سیاست ضد امپریالیستی و خلقی را دنبال می‌کنند ، سازمان مجاهدین خلق ایران ، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب تودهٔ‌ایران . خوب ، اگر بخواهیم این‌پرسش را به نحو درستی مطرح کنیم ، باید بگوئیم : در این شرایط ،نیروهای چپ چه باید بکنند تا با تمام نیرو و در حد ممکن ، از گرایش پاره‌ای از نیروها به سوی راست ، جلوگیری به عمل آورند ؟ در این صورت است که‌می‌توان گفت این‌یک پرسش علمی و درست است . زیرا مسلم است برخی از نیروهایی که از انقلاب سر می‌خورند ، بطور طبیعی به سوی راست می‌روند . اکنون ، میان نیروهای چپ و راست ، بر سر جلب این نیروها ، نبردی سخت درگیر است . خوب ، اگر نیروهای چپ در برابر یکدیگر بایستند ، توی سر هم بزنند ، و به‌هم دشنام بدهند و توهین کنند و هر یکدیگری را خائن بنامد ،مردم به سخن چه کسی گوش‌بدهند ؟ پس‌مساله‌ای که در رابطه با این پرسش اهمیت بسیار دارد ، مسئولیت عمدهٔ تمام نیروهای انقلابی ،خلقی و ضد امپریالیست است که طیف وسیعی از جامعه در آن قرار دارد .چنانکه در بالا گفتم ، این طیف ، از هواداران‌صدیق خط امام خمینی ، یعنی دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام و پیروانشان‌که‌افرادی از هیات حاکمه نیز در میان آنها هستند ، تا حزب تودهٔ ایران را ، در بر می‌گیرد . مهم این است که‌این نیروها بتوانند با یکدیگر زبان مشترکی پیدا کنند . همچنانکه امام خمینی می‌گوید ، تمام نیروهای ضد امپریالیست باید با هم متحد شوند و نگذارند که امپریالیستها و عمالشان این نیروها را به سوی خود بکشند و تفرقه‌افکنی کنند .

من تنها می‌خواهم به‌این دوست سوال کننده ، این نکته‌را توضیح دهم که :رفیق عزیز ! برخوردتان را بامسائل اجتماعی که تا این حد بغرنج هستند علمی‌تر کنید . کار حزب تودهٔ‌ایران ، همین راهنمایی‌هااست . شما مساله را

درک می‌کنید ، درد را احساس می‌کنید ، اما نمی‌دانید کار را از کجا باید آغاز کرد . در مورد این مساله ، شما باید به تمام گروههای دیگر نیز مراجعه کنید . در رابطه‌با حزب ما ، نیازی به این کار ندارید . درهای حزب تودهٔ ایران ، همواره بروی تمامی هواداران اتحاد نیروهای انقلابی باز است . ما معتقدیم که این مسئولیت بر دوش تمامی نیروهای‌چپ سنگینی می‌کند . در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ نیز ما در مورد مصدق ، همین سیاست را داشتیم ، که مدارک آن‌را دیده‌اید و خوانده‌اید و در آینده‌نیز خواهید دید و خواهید خواند . بدون اتحاد نیروهای انقلابی‌نمی‌توان کاری از پیش برد . تنها اتحاد نیروهای چپ و خلقی است که می‌تواند دژ استواری ایجاد کند که سرخورده‌ها را برای اقدامهای انقلابی‌تر ، هر چه بیشتر به سوی خود جلب کند . در غیر این صورت ، تا روزی که سایر نیروهای خلقی و ضد امپریالیست و از جمله ، چریکهای فدایی خلق ومجاهدین خلق ، همان راهی را بروند که امروز می‌روند ، بار دیگر حزب تودهٔ ایران با تمام هشدار باشها و زنهارباشهای‌خود تنها خواهد ماند و بار دیگر ضد انقلاب پیروز خواهد شد . و فردا ، باز هم می‌آیند و پرونده درست می‌کنند که :آقا ، اگر شما چنین‌و چنان کرده بودید ، همهٔ کارها درست می‌شد !

بنابراین ، من فکر می‌کنم در رابطه با این پرسش ، آنچه را که در کل به ما مربوط می‌شود به خوبی انجام داده‌ایم‌و انجام خواهیم داد . یعنی ما مسائل را تا آنجا که به ما مربوط است ، توضیح می‌دهیم و می‌شکافیم . اما آنچه مربوط به مسائل عملی است ، در درجهٔ اول‌به نیروهای دیگری که برای همکاری و ایجاد یک جبههٔ متحد خلق در برابر امپریالیسم و هجوم بورژوازی لیبرال ایران ، اعلام آمادگی نمی‌کنند ، مربوط است . رفقا ! تا حد ممکن به این‌نیروها فشار بیاورید ، نامه بنویسید ، از آنها بخواهید و اهمیت این مساله تاریخی را به آنها گوشزد کنید .تنها در این صورت است‌که وظیفهٔ خود را انجام داده‌اید .البته ، جنبش‌ها ممکن است شکست بخورند . اما گروههای سیاسی و بسیاری از عناصر و افراد انقلابی ، اگر وظیفهٔ خود را در برابر آن انجام داده باشند ،می‌توانند نزد خود و در برابر تاریخ سربلند

باشند و بگویند که ما وظیفهٔ انقلابی خود را انجام داده‌ایم ، اما بیش از این نتوانسته‌ایم .

بسیاری از جنگهای انقلابی با شکست مواجه‌می‌شوند . اما افراد و نیروهای انقلابی ، وظایف خود را در جریان آن انجام داده‌اند . شما نیز همین راه را در پیش بگیرید ، و برای اینکه این امر به سرانجام پیروزمند خود دست یابد ، ما را یاری کنید !

۱۴ فروردین ۱۳۵۹

باز هم دربارهٔ چریک‌ها و راه رشد غیرسرمایه‌داری

س : در نشریه کار ، شمارهٔ ۴۲ ، درمقاله‌ای به نام " راه رشد غیر سرمایه‌داری و حزب تودهٔ ایران ، آمده است : اولیانوفسکی و حزب تودهٔ ایران معتقدند که : " رهبری انجام دگرگونیهای غیرسرمایه‌داری را دموکراتهای انقلابی ملی که معمولا دارای منشا خرده بورژوازی رادیکال هستند ، به عهده دارند . آنها از ایدئولوژی مارکسیسم ــ لنینیسم بطور کامل تبعیت نمی‌کنند . " درهمین مقاله از نشریهٔ کار ، همچنین آمده است‌که : " در صورتی که لنین مهم‌ترین‌شرط رامرشدغیرسرمایه‌داری را رهبری کمونیست‌ها و حزب پرولتاریا می‌داند . " لطفادر این مورد توضیح دهید .

ج : اول باید بگویم در هیچیک از آثار لنین ، هیچ مطلبی درباره آنچه که دوستان نویسنده کار به او نسبت میدهند وجود ندارد . یعنی لنین هرگز نگفته‌که مهمترین شرط راه رشد غیر سرمایه‌داری در داخل هر کشور حتما رهبری کمونیستهاست . دوستان چریک‌مثل خیلی جاهای دیگر علائق و برداشتهای ناقص و کج خود را به لنین و لنینیسم نسبت میدهند که‌این البته کار بسیار ناپسند و قابل انتقاد است . مطلب دوم اینکه باید از دوستانی که در سازمان چریکهای فدایی خلق هستند و مطالب نشریه کار را می‌نویسند و منتشر می‌کنند ، پرسید که‌براستی آنها چقدر از مارکسیسم ــ لنینیسم اطلاع دارند که معتقدند حتی بزرگترین

www.iran-archive.com

موءسسات علمی و برجسته‌ترین شخصیت‌های علمی جهان مارکسیسم ــ لنینیسم که با لنین بزرگ شده‌اند ، از او درس گرفته‌اند و در طول زندگی و مبارزهٔ شصت ــ هفتاد سالهٔ خود ، لنینیسم را در انقلاب ، در جنگ جهانی‌دوم و در مرحلهٔ ساختمان سوسیالیسم پیاده کرده‌اند ، نظریاتشان غیر مارکسیستی است ، و این دوستان ، یعنی نویسندگان و گردانندگان نشریهٔ کار ، بهتر از آنها مسائل مارکسیسم ــ لنینیسم را درک می‌کنند ؟

آخر ، اندکی فروتنی و حجب‌نیز چیز خوبی است ! این دوستان راجع به حزب تودهٔ ایران خیلی حرفهای ناوارد می‌زنند و می‌نویسند . بسیار خوب ، بزنند و بنویسند . فرض می‌کنیم که ما نیز مانند آنها همین کتابها را خوانده‌ایم ، منتها ما نفهمیده‌ایم و آنها فهمیده‌اند . راجع به ما هر چه بگویند ، ایرادی ندارد . اما آخر باید اندکی فروتنی نیز داشت . یکاثر علمی جهان سوسیالیسم که مسالهٔ‌ای با این همه اهمیت ،یعنی مناسبات میان سوسیالیسم و جهان سوم ، آسیا و آفریقا را مطرح می‌کند ، ودرسراسر جهان به عنوان نظریهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی که اکنون در صحنهٔ جهانی نقش بسیار مهم و پر مسئولیتی به عهده دارد ، مطرح است ، قاعدتا کمی بیشتر از نشریهٔ کار شمارهٔ ۴۲ چریکهای فدایی خلق ، برای چاپ و انتشارش‌مسئولیت به خرج داده شده است !

من تصور می‌کنم که اگر این رفقا اندکی فروتنی همراه با مسئولیت داشته باشند ، زیانی نخواهند دید . این برخورد آنها را ، من فاقد هر گونه حجب و فروتنی که از خصلتها و خصوصیات لازم و ضروری کمونیست ها است ،می‌دانم . نمونهٔ مشخصی که‌با مسائل مهم همین گونه برخورد می‌کرد ، مصطفی شعاعیان بود . او در برداشت از مسائل علمی ، دیگر کار را به حد اعلای بی مسئولیتی و فقدان فروتنی رسانده بود و غلط های لنین را درمورد انقلاب میگرفت . چنانکه ، گویا لنین می‌بایست در مکتب ایشان به آموزش مارکسیسم ــ لنینیسم می‌پرداخت !

من فکر می‌کنم این دوست سوال کنندهٔ ما ، که نشریهٔ شمارهٔ ۴۲ کار را خوانده و به آن اعتقاد پیدا کرده است بد نیست به خود زحمتی

بدهد و کتاب اولیانوفسکی را نیز یک بار بخواند . زیرا در این صورت ، بهتر می‌توانیم با یکدیگر حرف بزنیم و ببینیم که کجای این کتاب غیر لنینی است و کجای مقالهٔ کار شمارهٔ ۴۲ لنینی ؟ ما می‌توانیم درمورد این موضوع ، یکی دوساعت ، دو نفری بنشینیم و حرف بزنیم .

۱۴ فروردین ۱۳۵۹

آیا چریک‌های فدایی می‌توانند در شمار احزاب برادر قرار بگیرند؟

س ـ برای تبدیل شدن یک سازمان به حزب ، چه شرایطی لازم است ؟ آیا سازمان چریکهای فدائی خلق دارای چنین شرایطی هست ؟ ودر صورتی که این سازمان به یک حزب تبدیل شود ، آیا می‌تواند درشمار احزاب برادر قرار گیرد ؟

ج : البته هر سازمانی می‌تواند خود رابه حزب تبدیل کند. این کهکاری ندارد ! برگزیدن نام حزب ، کارآسانی است . هر سازمانی می‌تواند اعلام کند که من حزبم. شما ببینید که درایران چند تا حزب وجود دارد . از حزب دو اشکوبهٔ کمونیست کارگران و دهقانان و گروه انشعابی آن بگیریدتا احزاب رنگارنگ دیگر . همهٔ اینها نام حزب برخود گذاشته‌اند . ما ، مانعی برای حزب شدن هیچ گروه و سازمانی نمی‌بینیم . در مورد سازمان چریکهای فدائی خلق نیز باید بگویم که خود این سازمان معتقد بوده است که هنوز برای حزب شدن آماده نیست . آثاری که آنها در گذشته نوشته‌اند ، اصولا" لزوم تشکیل حزب را انکار می‌کرده است . آنها معتقد بودند که فعلا" ضرورتی برای تشکیل حزب وجود ندارد و اساسا" پیشاهنگ طبقهٔ کارگر الزامی نیست که شکل حزب به‌خود بگیرد . در همین آثاری که من به آنها اشاره کردم ، و ما در مقاله‌ای از آنها نقل قول کرده‌ایم ، چریکهای فدائی خلق با صراحت تمام گفته‌اند که فعلا" هیچ ضرورتی ندارد که پیشاهنگ طبقهٔ کارگر شکل حزب به خود بگیرد. پیشاهنگ طبقهٔ کارگر می‌تواند انقلاب را انجام دهد ، بدون اینکه اصلا" تبدیل به‌حزب شده‌باشد .

اما خوب ، اکنون به این نتیجه‌رسیده‌اند که پیشاهنگ طبقهٔ کارگر باید به‌حزب تبدیل شود . در اینجا باید بگویم که‌اگر چریکهای فدائی خلق بخواهند واقعا " حزب طبقهٔ کارگر را تشکیل‌بدهند ، باید مسائل را جدی‌تر بررسی کنند . در نشریهٔ " کار " شمارهٔ ۱۰، چریکهای فدائی خلق بحثی را آغاز کرده‌اند که در آن ویژگیهای حزب طبقهٔ کارگر ، حزب طراز نوین طبقهٔ‌کارگر را ، ذکر کرده‌اند . در یکی از بخشهای این‌مقاله ، شش شرط اساسی حزب طبقهٔ کارگر را ذکر کرده‌اند ، که‌از این قرار است :

۱ ــ حزب ،پیشاهنگ طبقهٔ کارگر است .

۲ ــ حزب ، پیشاهنگ تشکل یافتهٔ طبقهٔ کارگر است .

۳ ــ حزب ، عالی‌ترین شکل سازمانی طبقهٔ کارگر است .

۴ ــ حزب ، مظهر ارتباط دستهٔ پیشرو طبقهٔ کارگر با توده‌های میلیونی طبقهٔ کارگر است .

این شرط چهار را ، چریکهای فدائی خلق از خود "خلق " کرده‌اند ! اینکه چرا و چگونه دست به چنین کاری زده‌اند ، مطلبی است که بعدا " به آن خواهم پرداخت . اصول ششگانهٔ آنها را دنبال می‌کنیم :

۵ ــ سانترالیسم دموکراتیک ، قانون اساسی حزب طبقهٔ‌کارگراست .

۶ ــ انضباط پرولتاریائی ، لازمهٔ حزب طبقهٔ کارگر است .

در این‌جا نیز ، یک شرط دیگر خلق کرده‌اند ! شرط شمارهٔ ۶ .

آنها در واقع ، اصل چهار و ششرا تغییر داده‌اند . به جای این‌دو اصل "خلق شده " ، اصول دیگری بوده است که‌حزب تودهٔ ایران سالها پیش آنها را ذکر کرده‌است . این دو اصل ، از اصول لنینی حزب طبقهٔ کارگر است که چریکها آنها را به دست فراموشی سپرده‌اند . دو اصلی که اتفاقا " به‌هیچوجه بی‌اهمیت نیستند . یکی عبارت‌است از تاکید بر انترناسیونالیسم پرولتری ، و دیگری انتقاد و انتقاد از خود که‌شیوهٔ اساسی زندگی درونی حزب طبقهٔ‌کارگر است . این اصول ،فراموش شده‌اند . البته اتفاقا " فراموش شده‌اند ! اما ،حزب‌تودهٔ ایران هرگز این اصول را فراموش‌نکرده است و نمی‌کند . به‌رفقایی که در این زمینه‌ها سوال می‌کنند ، می‌توانم یادآوری کنم که ما در مجلهٔ دنیا ، شماره ۶،

سال ۱۳۵۴ ، در مقالهٔ "چریکها و حزب طراز نوین‌طبقهٔ کارگر" این اصول را با صراحت و روشنی تمام ذکر کرده‌ایم :

۱ ــ حزب ، پیشاهنگ آگاه‌طبقهٔ کارگر است .

۲ ــ حزب ، پیشاهنگ سازمان یافتهٔ طبقهٔ کارگر است .

چریکها برای اینکه واژهٔ " سازمان یافته" را ننویسند ، عربیش کرده‌اند و نوشته‌اند " تشکل یافتهٔ " ! ادامه می‌دهیم :

۳ ــ حزب ، عالی‌ترین شکل سازمانی طبقهٔ کارگر به شمار می‌آید .

۴ ــ قانون‌اساسی زندگی درونی حزب ، سانترالیسم دموکراتیک است .

۵ ــ روش سیاسی حزب طراز نوین ، بر پایهٔ تاکتیک انقلابی استوار است . استفاده از همهٔ امکانات و همهٔ شیوه‌های مبارزه ، با در نظر گرفتن تناسب نیروهای خودی و غیره ،برخورد نقاد بـه عملکرد خویش ، پذیرش اشتباهات و آموزش از آنها ، رشد دهنده و پیش برندهٔ یک حزب طراز نوین طبقهٔ کارگر است .

۶ ــ مناسبات حزب طراز نوین یک‌کشور با طبقهٔ کارگر و زحمتکشان سایر کشورها ، بر پایهٔ انترناسیونالیسم پرولتری ، یعنی همدردی برادرانه و کمک متقابل استوار است . اینها ، اصول حزب طراز نوین طبقهٔ کارگر است . هر سازمان سیاسی که صادقانه این‌اصول را بپذیرد بدون تردید یک حزب برادر است و می‌تواند در جمع خانوادهٔ‌احزاب برادر سراسر جهان‌شرکت داشته‌باشد .

همچنین به عقیدهٔ من ،اگر سازمان چریکهای فدائی خلق این اصول را صادقانه‌بپذیرند ، هیچ مانعی برای وحدت آن با حزب تودهٔ ایران وجود ندارد . اگر چنین‌شود ، تمام موانع بکلی از میان خواهد رفت و تنها دعوای حسن و حسین بر جای خواهد ماند . دعواهائی از قبیل اینکه مثلا" بگویند :" ما از ریخت فلان رفیق که سبیل دارد ، خوشمان نمی‌آید . "خوب ، ما حاضریم برای خاطر آنها ، این رفیق را هم بگذاریم توی یخچال ! اگر آنها بیایند و این اصول را صادقانه بپذیرند ، ما بخاطر این جزئیات با آنها دعوا نخواهیم کرد . اما ، مساله بر سر همین اصول‌است . ما می‌بینیم که وقتی این دوستان ،

چنین بحث تئوریکی را در نشریهٔ خود شروع می‌کنند ، دو اصل مهم و اساسی را که مشخصهٔ حزب طراز نوین ولنینی طبقهٔ کارگر است ، جا می‌اندازند یا فراموش می‌کنند ، و در عمل نیز آنها را ازیادمی‌برند . شما تبریکاتی را کهبه مناسبت اول ماه مه سال گذشته برای سازمان چریکهای فدایی خلق رسیده است ، بخوانید . ببینید که از چه سازمانها و گروههایی در جهان ،تبریک دریافت داشته‌اند : از یک گروه مائوئیستی در ترکیه ، یک گروه چریکی در امریکای لاتین که اصلا" کسی نامش را نیز نشنیده است ، یکگروهتحریک کننده در شیلی و غیرهو غیره . این است مناسبات انترناسیونالیستی آنها با تمام بین الملل کمونیستی ، یعنی بیش از صد حزب کمونیست جهان !

دربارهٔ مقالهٔ نشریهٔ " کار " و موضعگیری اخیر چریکها ، شاید همین فردا یا پس فردا ، در روزنامهٔ مردممقالهٔ مفصلی چاپ شود . من به رفقا توصیه می‌کنم که حتما" این مقاله را بخوانند .

۷ فروردین ۱۳۵۹

آیا شوروی گاز افغانستان را ارزان می خرد؟

س: چرا دولت اتحاد شوروی که در مذاکرات با دولت ایران برای خرید گاز ، حاضر به پرداخت ۱۳۰ دلار برای هر هزار متر مکعب گاز است ، گاز افغانستان را به مراتب ارزان‌تر ، یعنی در حدود ۸۰ دلار می‌خرد و نه ۱۳۰ دلار ؟ آیا این نوعی غارت و استثمار منابع طبیعی افغانستان نیست ؟

ج : رفقا ! ما ،در روزنامهٔ مردم‌راجع به این موضوع با تمام دقت توضیح داده‌ایم . آخر ، این‌مطالب را بخوانید ، بعد اگر درمورد یا مواردی قانع نشدید و به اشکال برخوردید ، بیائید این سوالهارابکنید . به اعتقادما ، سر تا پای سیاست‌اخیردولت‌ایران‌نسبت‌به اتحاد شوروی ، از قبیل دشنام دادن به آن در رادیوو تلویزیون ، قطع گاز که تنها یک بهانه‌گیری برای وارد آوردن فشار به این کشور بوده است،

کوشش برای لغو پاره‌ای قراردادها و معاملات بازرگانی میان دو دولت که تا یک هفته پیش نیز ادامه‌داشت ، و در این زمینه ، حتی از سفر مسافران به اتحاد شوروی و توریستهائی که به علت ارزان بودن بلیت می‌خواستند از راه مسکو به برلن بروند ، جلوگیری به عمل آوردند و آنها را از فرودگاه برگرداندند ،و یکسلسله تحریکات عملی بسیار جدی دیگر ، همه‌وهمه در چارچوب همان چهارگامی است که دولت ایران می‌بایست بردارد و ما پیش از این درباره‌ٔ آن بحث کرده‌ایم . در نامه‌ٔ آقای کارتر نیز به تعهدات دولت ایران در مورد برداشتن این گامها اشاره شده‌است . در نامه‌ٔ کارتر به‌بنی‌صدر ، صریحا" این مساله آمده‌است که چرا آقای بنی‌صدر مقداری از تعهدات خود را اجرا کرده و مقداری از آن که منظور آزادی گروگانهای جاسوس امریکائی است‌ـ مانده‌است ؟ ما فکر می‌کنیم که تمام این مسائل ، در چارچوب همین امرجریان داشته است.

و اما ادعای دولت ایران در مورد صدور گاز به اتحادشوروی ، ادعای بکلی ناواردی است . دولت شوروی در پاسخ دولت ایران می‌گوید : " ما گازی را که خودمان ۵۰۰۰ کیلومتر منتقل می‌کنیم و به آلمان غربی و فرانسه می‌دهیم ،ارزان‌تر از میلغی می‌فروشیم‌که شما می‌خواهید با ۲۰۰۰ کیلومتر منتقل کردن ، به‌ما بفروشید . ما چگونه می‌توانیم گازی را که ارزان‌تر می‌فروشیم ، از شما گران‌تر بخریم ؟ خوب ، همان گاز خودمان را مصرف می‌کنیم . " حرف بسیار بجائی است . دولت ایران اگر نمی‌خواست بهانه‌گیری کند ، می‌توانست بهیرنگ‌این مساله را مطرح کند که : " شما این گاز را به صورت ترانزیت برای ما به اروپای غربی بفرستید .ما هم مطابق عرف بین‌المللی هزینه‌ٔ ترانزیت را می‌پردازیم . بعد با کشورهای اروپای غربی معامله می‌کنیم و هر چه ازآنهاگرفتیم ، مفت چنگمان . " و براستی اگر مقامات دولت ایران حسن‌نیت داشتند ، باید همین کار را می‌کردند . اما به‌اعتقاد ما ، کوشش آنها صرفا" این بوده است که‌صدور گاز را قطع کنند . یعنی قیمت غیر قابل پذیرشی به شوروی پیشنهاد کردند که آن را غیرممکن بداند و نتواند بپردازد ،

بعد هم بگویند خوب ، پس ما هم صدور گاز را قطع می‌کنیم .

آنها لابد خیال می‌کردند که با قطع صدور گاز ، تمام صنایع شوروی یکباره خواهد خوابید . امروز آماری بدستم رسید که واقعا" بسیار جالب است . در این آمار ، نیرو و میزان تولید اتحاد شوروی ، با تولید امریکا در سال ۱۹۷۸ مقایسه شده است . خوب است که مقامات دولت ایران و سایر همفکرانشان اندکی بیندیشند که‌هر چه‌نباشد با یک قدرت بزرگ صنعتی روبرو هستند که اگر مثلا" یک میلیارد متر مکعب گاز هم به آن ندهند ، به هیچ جایش بر نخواهد خورد . و این کار تنها به زیان ایران تمام خواهد شد . مقاله‌ای که در اطلاعات پریروز راجع به مساله‌ٔ گاز نوشته شده بود ، مقاله‌ٔ بسیار گویا و جالبی بود . در این مقاله آمده بود که قطع صدور گاز به اتحاد شوروی ، خیانتی است به‌منافع ملت ایران ، یکه خیانت جهانی . نویسنده‌ٔ مقاله نوشته بود شما این فرآورده‌ٔ پر ارزش جهانی را دارید از بین می‌برید ، در صورتی که سود آن می‌تواند به جائی برسد . شما همان‌سیاستی را اجرا می‌کنید که در امریکا پیاده‌می‌شود آنها نیز گندم و گوشت و سایر محصولات را می‌سوزانند تا قیمت‌ها را در سطح معینی نگاه دارند . مقاله‌ٔ بسیار جالبی بود که نویسنده‌ٔ آن ، امضاء و نام محل کار خود را نیز در پای آن گذاشته بود . یعنی بدون تردید ، توده‌ای‌هم نبوده است . زیرا اگر چنین بود ، از ترس اینکه‌مبادا بیرونش کنند ، جرات‌نمی‌کرد مشخصاتش را زیر مقاله بنویسد .

و اما ، در مورد گاز افغانستان . دوستان ! بر خلاف آنچه آقای معین‌فر ادعا کرده است ، گاز اصلا" قیمت واحد جهانی‌ندارد ، قیمت گاز بستگی به این‌دارد که چگونه استخراج شود ، چه مسافتی را طی کند و هزینه‌ٔ انتقال آن چقدر باشد . بخصوص باید توجه داشت که در مورد گاز ، هزینه حمل و نقل ، یعنی انتقال ، نقش مهمی در قیمت تمام شده ، بازی می‌کند.با در نظر گرفتن تمام این مسائل است که‌قیمت گاز را تعیین می‌کنند . پس یک قیمت مال خود گاز است ویک‌قیمت هم به چگونگی انتقال آن و دوری و نزدیکی‌اش به بازار مصرف مربوط است . یعنی به عنوان مثال ، اگر گازی که ۴۰۰۰ کیلومتر انتقال پیدا می‌کند تا

مصرف شود و هزینهٔ بسیار سنگینی می‌برد ، بخواهد با همان قیمتی به فروش‌برسد که گاز دیگری با ۵۰۰ کیلومتر انتقال یافتن و هزینهٔ بسیار کمتر ، و یا بدون هزینهٔ‌انتقال در سر چاه‌به مصرف‌می‌رسد ، از هیچ‌نظر کار درستی نیست .

در مورد قیمت گاز صادراتی افغانستان نیز ما هیچ اطلاعی نداریم . این یک‌ادعائی است که یک‌نفر در رادیو تهران کرده است که قیمت گاز صادراتی افغانستان ۸۰ دلار است . این اطلاعات را ابتداباید مورد بررسی دقیق قرار داد و دید که‌آیا براستی چنین است یا نه ، و بعد بر این اساس قضاوت کرد که غارت و استثمار منابع یک کشور است یا چیز دیگری است .

من هفتهٔ پیش یک‌نمونه از کمک‌های اتحاد شوروی را به‌کشورهای درگیر با امپریالیسم ، در اینجا از روی نوشته برای رفقا خواندم .نمونهٔ دیگرش را دیروز در اخبار رادیو تهران شنیدیم . این خبر حاکی از آن بود که در سفر هیات نمایندگی کوبا به شوروی ،قرار دادی امضاء شده است‌که بر طبق آن‌کمکهای اتحاد شوروی به کوبا برای پنج سال آینده ، ۵۰ درصد افزایش یافته است . اینکه گفته می‌شود اتحاد شوروی کشورهایی مانند کوبا ،ویتنام ، آنگولا ، موزامبیک‌و غیره را استثمار می‌کند ، واقعا" کودکانه است . کودکانه ، آن هم تنها در صورتی که اصلا" از مناسبات میان اتحاد شوروی و این کشورها اطلاعی نداشته باشند . وگرنه ، مغرضانه و خرابکارانه است. اتحاد شوروی ، بخشی از محصول زحمت خلق‌های خود را به جنبش‌هاو کشورهای درگیر مبارزه‌با امپریالیسم به عنوان کمک بلاعوض می‌دهد . آن وقت‌عده‌ای می‌گویند این یک معامله است که‌بوسیلهٔ آن‌می‌خواهند ملتها را استثمار کنند ! مسلم است که افغانستان ، بدون کمکهای وسیع‌و موءثر کشورهای سوسیالیستی ، و در راس آن‌ها اتحادشوروی ،غیر ممکن بود که بتواند در چنین بحران بزرگی که با آن روبرو است ، خود را سر پا نگاه دارد. خوب ، کشورهای سوسیالیستی معمولا" صورت کمکهای را که به کشورهای درگیر مبارزه با امپریالیسم و جنبش‌های رهائی بخش‌می‌کنند ، هرگز منتشر نمی‌سازند. ما تنها به‌طور اتفاقی و جنبی از برخی‌از این‌کمک‌ها

اطلاع پیدامی‌کنیم . مانند کمک‌چند ده‌میلیارد دلاری بلاعوض‌به‌ویتنام . ما یکباره از وجود تصویب نامه‌ای با خبر می‌شویم که اتحاد شوروی طبق آن تمام کمکهائی راکه در عرض ۲۵ سال اخیر در سراسر دوران مبارزهٔ خلق ویتنام با امپریالیسم فرانسه و امریکا به این کشور کرده است، بلاعوض اعلام داشته است . این تصویب نامه ، یک‌تصمیم یک‌سطری بیشتر نبوده است . آن هم توسط‌رفیق له‌دوان در سفر هیات نمایندگی ویتنام به اتحاد شوروی اعلام‌می‌شود ، نه توسط خود اتحاد شوروی . رفیق له‌دوان می‌گوید این‌ها کمکهایی است‌که شما به ما کرده‌اید . یک‌روز و دو روز هم نبوده است . در طول ۲۵ سال ، این کمکها ،همچنان‌ادامه داشته است .

ما به‌این طریق از کمکهای اتحاد شوروی به‌کشورهای درگیر مبارزه با امپریالیسم و جنبش‌های آزادیبخش اطلاع حاصل می‌کنیم . یعنی در این زمینه‌ها ، هرگز از سوی کشورهای سوسیالیستی خودنمائی ، تظاهر و لاف زدن ندیده‌ایم . مثلا" همین نمونه‌ای را که برایتان‌گفتم و دیروز از رادیو تهران شنیدیم ، در نظر بگیرید .این مساله هرگز از سوی اتحاد شوروی مطرح نشده بود که‌مابه‌کوبا کمک‌می‌کنیم . محافل امپریالیستی و ارتجاعی جهان ، تا کنون بسیار در بوق و کرنای تبلیغاتی خود دمیده‌اند که کوبا روزی سه چهار میلیون دلار از شوروی می‌گیرد . آنها از این قبیل حرفها زیاد زده‌اند . اما از سوی اتحاد شوروی ،تا کنون حتی یکبار نیز چنین چیزی مطرح نشده‌است . و ما اکنون یکباره می‌بینیم که جزو مواد فلان تصویب‌نامه یا قرارداد ،این موضوع گنجانده شده است که کمکهای شوروی به‌کوبا ، یک‌براهر و نیم‌شده‌است . این‌شوخی‌نیست . به همین جهت است‌که‌مابا‌ید این برخوردها را که یا از سر ناآگاهی صرف پاره‌ای‌از دوستان است و یا پایه‌های مغرضانه‌و خصمانه دارد و از سوی دشمنان ما است ،از یکدیگر تفکیک‌کنیم . یعنی به دوستان ناآگاه بگوئیم که اندکی بیشتر باروابط و مناسبات‌کشورهای سوسیالیستی با سایر کشورهای جهان آشنا شوند .

مثلا "اتحاد شوروی به کشورهای سوسیالیستی اروپا نفت صادر می‌کند و ۹۰ درصد نفت‌این‌کشورها از این طریق تامین می‌شود . دولت شوروی

با این کشورها قراردادهایی بسته است که به موجب آنها قیمت نفت برای این کشورها ، با قیمت جهانی نفت بالا نمی‌رود. چرا که اگر چنین شود ، می تواند به اقتصاد آنها صدمه وارد کند . به این ترتیب قیمت نفت ، هر سال به تناسب یک پنجم قیمت ۵ سال گذشته تعیین می‌شود . یعنی تقریبا" نصف قیمت جهانی نفت . اتحاد شوروی ، سالی ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تن نفت ، با نصف قیمت جهانی ، به این کشورها میدهدکه در ازای آن ارز هم نمی‌پردازند . هیچکس نمی‌آید دربارهٔ این مسائل بحث کند . معمولا" همیشه چنین مادهٔ کوچکی در این قراردادهای دوستانه میان طرفین ، وجود دارد . آنوقت در اینجا مدام می‌گویند که اتحاد شوروی ، کشورهای‌شرق اروپا ، و همه را غارت می‌کند !

۱۴ فروردین ۱۳۵۹

فحاشی علیه حزب تودهٔ ایران و عکس العمل ما

س: آیا مصاحبهٔ دیشب آقای قطب‌زاده را در تلویزیون دیدید که می‌گفت : "در رگ توده‌ای‌ها خون‌روسی جاری است " ؟آیا فحاشی‌های امروز بعد از ظهر آقای فخرالدین حجازی را نسبت‌به کمونیستها و حزب تودهٔ ایران شنیده‌اید ؟ نظرتان راجع به این موارد چیست ؟

ج :من درباره عکس العمل‌هائی که از جانب رفقا در این گونه موارد صورت میگیرد ، باید بگویم که : رفقای عزیز ! برخورد ما نسبت به حوادث و رویدادهائی از این دست ، درست عکس برخوردهای‌شما است یعنی ما حوادث هفتهٔ اخیر را در مجموع خود بررسی می‌کنیم ، و این گونه مسائل فرعی اصلا" توجه ما را به خود جلب نمی‌کند . زیرا این لاطائلات را چهل سال است که تکرار می‌کنند و هیچ چیز تازه‌ای در آنها وجود ندارد . سخنان قطب‌زاده‌و فخرالدین حجازی ، دارای محتوای تازه‌ای نیست. این سخنان را ، چهل سال است‌که پیوسته علیه حزب تودهٔ ایران تکرار می‌کنند . و شاید سال‌های دیگر نیز تکرار کنند . اگر

هم اوضاع در اینجا عوض شود ، این آقایان به لندن و پاریس خواهند رفت و در آنجا همین مزخرفات را تکرار خواهند کرد . مانند مهاجران روسی ، که پس از قریب ۶۲ سال که از انقلاب اکتبر می‌گذرد ، هنوز همین مهملات را دربارهٔ کمونیسم و اتحاد شوروی تکرار می‌کنند ، و دوستان و همکاران آنها نیز گفته‌هایشان را ، حتی همین امروز ، موبه‌مو تکرار می‌کنند که : "در شوروی ، مردم اصلا" نان ندارند بخورند یعنی همان چیزی که امروز فخرالدین حجازی می‌گفت . ما چند روز پیش آماری منتشر کردیم که نشان دهندهٔ تولید سالانه ۱۲۰ میلیون تن گندم در شوروی بود . اگر حساب کنید ، می‌بینید که این مقدار گندم ، نه تنها برای مصرف داخلی سه ـ چهار سال نان آنها کافی است ، بلکه یکی از بزرگترین اقلام صادراتی شوروی نیز به حساب می‌آید .

اما اتحاد شوروی برای تامین خوراک خوک و گاو و به طور کلی ، دامهای کشور ، از خارج ذرت می‌خرد . زیرا ذرت در شوروی به علت سرمای زیاد عمل نمی‌آید . از طرف دیگر ، این محصول برای دام خوراک خوبی است و گوشت ایجاد می‌کند . در شوروی ، همچنین برنج کم تولید می‌شود . خوب ، برنج را از ویتنام می‌خرد و به جای آن ، گندم به این کشور می‌دهد . زیرا در ویتنام ، گندم به میزان کمی به عمل می‌آید . اینها مبادلاتی است که اتحاد شوروی با کشورهای دیگر دارد . منتها ، دشمنان مارکسیسم ، هر یک از این واقعیت‌ها را تنها برای تبلیغ سوء مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند . اینها ، مسائل مهمی نیست .

آنچه در هفتهٔ گذشته اهمیت داشته ، عبارت است از تغییری اساسی در سیاست ایران . این همان چیزی است که محتوای نو دارد ، در حال گسترش و بالندگی است و باید مورد توجه قرار گیرد . ما ، مارکسیست‌ها ، همواره به آن نطفه‌های نو و بالنده‌ای که آینده را نوید می‌دهند ، توجه داریم . ما می‌کوشیم این پدیده‌ها را پیدا کنیم ، تقویت کنیم و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم . ما مسائل گذشته را یکبار مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم . ما ارتجاع و شیوه‌هایش را می‌شناسیم ، و بررسی مجدد آن ، تنها تکرار مکررات است و هیچ چیز نو

و تازه‌ای در بر ندارد. به همین جهت ، من از دوستان خواهش می‌کنم که تنها به این وجه، یعنی وجه عمدهٔ حوادث و رویدادها توجهٔ کنند تا دریابند که در هفتهٔ گذشته ، چه پدیده‌های نو و تازه‌ای وجود داشته است . شما به سر مقالهٔ روزنامهٔ " جمهوری اسلامی "شنبهٔ‌گذشته ، و سر مقالهٔ " صبح آزادگان " روز یکشنبه ، دربارهٔ نقش مائوئیست‌هائی که برخی کارهاو پاره‌ای مقامات را در دست دارند ، توجه‌کنید . اینها همه ، حرفهای تازه‌ای است و از سوی کسانی گفته می‌شود که تا کنون چنین سخنانی بر لب نمی‌آورده‌اند . به اعلامیهٔ روحانیون مبارز قم توجه کنید که چگونه‌سازشکارانی را که می‌خواستند نقشهٔ تسلیم گروگانها را انجام دهند ، می‌کوبد . اینها دیگر تنها حرفهای ما نیست ، حرف روحانیت قم است ، حرف دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام است . به این ترتیب ، آن نطفهٔ نو ، عبارت است از یک شناخت درست ، سالم و جدید دربارهٔ ماهیت امپریالیسم ، خطر امپریالیسم و خطرتجاوزات آیندهٔ آن ، و آغاز نطفه‌های یک سمتگیری نو ، در میان نیروهای غیر پرولتری . مثلا" ، پریشب ، برای نخستین بار ، رئیس جمهور در سخنرانی تلویزیونی خود ، اصطلاح ویژه‌ای را که همیشه دربارهٔ‌اتحاد شوروی به کار می‌برد ، تکرار نکرد . و بر عکس ، تمام تمرکز و سمتگیری اساسی سخنانش ــ چنانکه امام بارروشنی تمام تصریح‌کرده بود ــ عبارت بود از امپریالیسم امریکا . همین امپریالیسم امریکا که تا چند هفتهٔ پیش برخی مقامات با آن خوش و بش می‌کردند و می‌خواستند با آقای کارتر ،این دوست گرامی! وارد مذاکراتی شوند . خوب ، همهٔ اینها نشان می‌دهدکه وضع تا حدی تغییر کرده است . تمام این پدیده‌ها نو و بالنده هستند و باید به آنها توجه کرد . و اما پدیده‌های میرنده ، از نوع همان زوزه‌هایی است که از سوی این و آن ، علیه نیروهای مترقی کشیده می‌شود ، که‌البته‌کاملا" قابل فهم است . خوب ، ما کمونیست‌ها نیز باید کمی بزرگ منشی داشته باشیم . بهتر است زمانی که می‌بینیم حریفمان از مساله‌ای آتش گرفته است و خیلی می‌سوزد ، زیاد به او نخندیم! ببینید ، همین چریکهای فدائی خلق ، در شمارهٔ اخیر نشریهٔ " کار "به مناسبت انتشار بخش‌هائی از گفتگوهای تدارک پلنوم

سازمانشان، تا چه حد نسبت به‌ما فحاشی کرده‌اند . آنها در نشریهٔ خود ،هر چه از دهانشان در آمده است ، به حزب تودهٔ ایران نسبت داده‌اند . آنها حزب ما را دزد ، سارق ،خائن ، جاسوس ، پلیس و غیره نامیده‌اند . ما به این چیزها که دیگر پاسخ نمی‌دهیم . ماتنها لبخند می‌زنیم . زیرا فکر می‌کنیم که این‌مساله برای این‌دوستان خیلی گران تمام شده وفشار زیادی به آنها وارد آورده است . وگرنه ،آنها خودشان می‌دانند ــ و خوب هم می‌دانند ــ که چه افراد یا گروهی ، از میان خودشان ،چنین مطالبی را منتشر کرده‌اند . وقتی‌در خارج از سازمان این موضوع را فهمیده باشند ،حتماً" خود آنها نیز مساله را دریافته‌اند . اما از آنجا که این امر ، خیلی برایشان سنگین آمده است ، کار را به‌جیغ و داد و فریاد و دشنام و ناسزا می‌کشانند . ما ، همچنانکه با لبخند به این مقاله می‌نگریم ، به سخنان افرادی مانند قطب‌زاده و فخرالدین حجازی و غیره نیز تنها با تبسم روبرو می‌شویم . ما فکر می‌کنیم که‌تمام این فریادها ، ناشی از سوز ضربه‌هایی است که به علت شکست سیاست خودشان ، به‌آنها وارد آمده است . بنابراین ، به نظر من بهتر است که‌از این پس ، برخورد دوستان ما نیز به‌همین شکل باشد . یعنی پدیده‌های نو ، مثبت ،سالم و درست را ببینند .

اگر در هفتهٔ گذشته، به روزنامه‌های کیهان و اطلاعات که از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشورند توجه کرده‌باشید ، می‌بینید که‌محتوای مقالات آنها ، سمتگیری و موضعگیری سیاسی آنها نسبت به جریانات سیاسی تا حدی دگرگون شده است . حدود دو سه ماه بود که حتی نامی هم از حزب تودهٔ ایران در این‌روزنامه‌ها برده نمی‌شد . اما اکنون حتی‌روزنامهٔ انقلاب اسلامی‌نیزنظرحزب تودهٔ ایران را در موردعراق ــ یعنی در یک مورد سیاسی ــ چاپ می‌کند . این خود دارای اهمیت سیاسی است . به همین جهت ، ما تصور می‌کنیم که در دوران اخیر به پیروزی بزرگی دست یافته‌ایم ، و آن این است که درستی نظریات حزب ما دربارهٔ ماهیت امپریالیسم امریکا و توطئه‌هایی که علیه انقلاب ایران می‌کند ، علیرغم تمام کوشش‌های محافل سازشکار و تسلیم طلب که در پنهان کردن وپوشاندن این نظریات به عمل آمد ، در عمل به

www.iran-archive.com

اثبات رسید . موضعگیریهای سیاسی ما ، در عمل ، درستی و صحت خود را نشان داد . یکی از نمونه‌های آن ، آرامش و سکوت ما در برابر پیام نوروزی امام بود . ارزیابی ما چنین بود که به احتمال بسیار زیاد ، این پیام طوفان گذرائی است و اوضاع چنین نخواهد ماند . اما البته بی‌تجربگان ، چنین فکر نکردند . دستپاچه شدند و بیدرنگ در برابر آن اعلامیه‌ای صادر کردند که امروز با حوادثی که روی‌داده است ، باید از عمل خود شرمگین باشند . ما گمان نمی‌کردیم که این مساله جنبهٔ اساسی داشته باشد . به همین دلیل نیز چنانکه دیدید ، برای ما درست مانند این بود که اصلا" حادثه‌ای رخ نداده‌است . ما به‌جوانب دیگر پیام توجه کردیم ، و امروز می‌بینید که همین جوانب ، رشد و انسجام یافته و میرود تا به صورت سیاست رسمی در آید . این ، نوعی شیوهٔ برخورد سیاسی است : شیوهٔ برخورد خونسردانه ، عمیق و همراه با اطلاعات کافی در مورد جوانب امر و تحلیل درست تمام حوادث و عوامل آن ، و سپس نتیجه‌گیری خونسردانه از کل مساله . یعنی همان شیوه‌ای که ما درپیش گرفتیم . بطور کلی ، حوادث هفتهٔ اخیر ، تایید دقیق تمام آن نظریاتی بود که ما در تحلیل دو هفته پیش خود ، منتشر ساختیم .

امریکا تا آنجا که در نیرو داشت ، کوشید تا سیاست ایران را در جهت سیاست مزورانه‌ای که در برابر ایران پیش‌گرفته بود تغییر دهد ، و برای این‌کار ، از سازشکاران و عوامل خود در داخل ایران ــ مانند امیر انتظام‌ها ، که هنوز در همه جا هستند ــ استفاده کرد . این افراد ، از دو سو ، بخوبی نقش خود را بازی کردند .

حتی چیزهایی شنیده‌ایم که نشان می‌دهد فکر نامه‌ای که از سوی کارتر به امام خمینی نوشته شده بود ، از ایران به امریکا منتقل شده است و براساس همین‌فکر بوده است که نامه راتهیه کرده‌اند . عاملی هم که این امر را تا حدی تایید می‌کند ، لحن و متن نامه است که به هیچوجه فرم و سلیقهٔ اروپایی و امریکایی ندارد ، وکاملا" با لحن و سلیقهٔ شرقی وایرانی نوشته شده است . این نامه ، بسیار مزورانه و موذیانه تهیه‌شده و قاعدتا" می‌بایست کارشناسان بسیار ماهرایرانی در این کار دخالت

داشته باشند . به هر حال ، هدف از این نقشهٔ مزورانه ، این بوده است که به امید اینکه شاه را پس خواهند داد ، بگویند : " این گروگانها هم که بچه‌های بدی نیستند ! آنها را از جایی که هستند بیرون بیاورید و به بیمارستان منتقل کنید . " تا بعدا " بتوانند آنها را یواشکی از طریق سفارت کانادا ،به اروپا بفرستند . و آنگاه ، سیاست امریکا ، دوباره همان سیاست خشنی بشود که امروز می‌بینید . زیرا چنانکه ما بارها و در تمام بیانیه‌ها و اعلامیه‌های خود گفته‌ایم ، امریکا مطلقا " نمی‌تواند با یک ایران مستقل ، کنار بیاید . به‌نظر امریکا ،این استقلال ایران ، مانند یک بیماری مسری سرتاسر منطقهٔ نفت خیز خاورمیانه را مورد تهدید قرار خواهد داد ،و به همین دلیل ، به هیچوجه‌آمادهٔ پذیرش چنین استقلالی ، حتی در چارچوب آنچه آقای بنی‌صدر می‌اندیشد ، نیست . مگر اینکه ،همچنانکه روزنامهٔ جمهوری اسلامی نوشته است ،در اینجا نیز راه‌سادات در پیش گرفته شود . سر مقالهٔ روزنامهٔ جمهوری اسلامی ، تقریبا " همان محتوای اعلامیهٔ ما را به صورتی‌دیگر مورد تحلیل قرار داده و گفته است که راه سوم ،یعنی راه همکاری با اروپا و ژاپن به عنوان مبارزه با دو ابرقدرت ، همان راهی است که سادات خائن ، در اوائل روی کار آمدن خود مطرح می‌کرد که نتیجهٔ آن را در قراردادننگین کمپ دیوید می‌توان به چشم دید . یعنی این راه ، سرانجامی جز تسلیم به امپریالیسم امریکا ندارد . امپریالیسم امریکا ، در ایران کسی مانندسادات ، پادشاه عربستان سعودی و یا ضیاءالحق می‌خواهد که به تمام معنا سرسپردهٔ امپریالیسم و مدافع غارتگریهای عظیم آن در منطقه باشد .

سر مقالهٔ دیروز روزنامهٔ اطلاعات ، یعنی روز بیستم فروردین ۵۹ ، مطلب بسیار جالب و با ارزشی بود . این مقاله ، با روشنی و زبان بسیار شیرین ادبی ، ماهیت امپریالیسم امریکا و بطور کلی ماهیت امپریالیسم را در زمینهٔ غارت و چپاول کشورهای جهان بر ملا کرده و نشان داده بود که امریکا در ایران تنها چنین رژیمی می‌خواهد ،زیرا می‌داند که در غیر این صورت ، همه چیز خود رااز دست خواهد داد . ما تمام این مسائل را دقیقا " پیش بینی کردیم ، و حوادث و جریان زندگی ، بروشنی

تمام ،صحت نظریات ما را ثابت کرد .

چنانکه در اعلامیهٔ مربوط به تحلیل اوضاع اخیر نیز گفته‌ایم ، یگانه راه مبارزه و تداوم انقلاب ، عبارت است از تشدید مبارزه علیه امپریالیسم امریکا . ما دو راه بیشتر در پیش روی خود نداریم . یا باید تمام رشته‌های تسلط امپریالیسم امریکا ، یعنی تسلط نظامی ، سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی را از هم بگسلیم و استقلال همه جانبهٔ کشور خود را در برابر امریکا و همدستانش ــ امپریالیست‌های اروپائی و ژاپنی ــ تامین کنیم ، و یا به سوی تسلیم برویم . راه سوم ، سرابی است که همیشه سازشکاران و تسلیم طلبان به منظور هموار کردن جادهٔ تسلیم ، خلقها را با آن می‌فریبند ، و چنین وانمود می‌کنند که براستی این راه راه استقلال است ، و اصولا" راه سومی نیز وجود دارد . این راه را ، بسیاری از مرتدان انقلابهای تاریخ جهان پیموده‌اند و چنانکه می‌دانیم و می‌بینیم ، سرانجامی جز تسلیم مطلق به‌امپریالیسم نداشته است . راهی که چینی‌ها در پیش گرفتند ، به همین جا ختم شد . راهی که سادات‌ها ، نمیری‌ها وکودتاچیان اندونزی در پیش گرفتند ، سرانجامی جز این نداشت .

چنانکه بارها گفته‌ایم ، در برابر انقلاب ایران تنها دو راه وجود دارد . یکی راهی که کشورهایی نظیر سوریه ، الجزایر و لیبی برگزیدند ، ــ ما فعلا" از ویتنام ، کوبا و کشورهای انقلابی دیگری که راه سوسیالیستی را در پیش گرفتند سخن نمی‌گوئیم ،زیرا کشورهای نوع اول، از نظر شرایط بسیار به ایران شبیه بودند و خط مذهبی و اسلامی نیز بر آنها حاکم بود و هست ــ و دیگری ، راه مصر سادات ، سودان نمیری ، عربستان سعودی و پاکستان آقای ضیاءالحق .

۲۱ فروردین ۱۳۵۹

خطر تجاوز نظامی آمریکا چقدر است؟

س: می‌خواهم بدانم که تهدیدها و حمله‌های امریکا به کجا خواهد انجامید ؟ بر اساس ارزیابی‌های شما آیا امپریالیسم امریکا دست به

www.iran-archive.com

حملهٔ نظامی خواهد زد ، یا نه ؟

ج : البته در این مورد ، باز هم سازشکارانی مانند آقای قطب‌زاده برای خواب کردن مردم گفتند که : نخیر ، آقا ! این تهدیدها و ادعاهاچیزی نیست ، و حمله‌ای صورت نخواهد گرفت . این مسائل ، جنبهٔ داخلی دارد و تنها مربوط به انتخابات ریاست جمهوری در امریکا است !

به عقیدهٔ ما ، این برخورد ، باز هم همان شیره مالیدن به سر مردم ایران و به بیراهه کشاندن انقلاب ایران است . به نظر ما ، توطئه امپریالیسم امریکا را به هیچوجه نمی‌توان مساله‌ای پیش پا افتاده و یا شوخی تلقی کرد . امپریالیسم امریکا ، و در مجموع امپریالیسم جهانی ، از انقلاب ایران ضربهٔ بسیار سختی خورده‌اند و اکنون که با ایستادگی جنبش انقلابی ایران ، مواضع بیشتری از آن‌ها مورد تهدید قرار گرفته است ، بیش از پیش در صدد تدارک یک حملهٔ جدی نظامی به کشور ما هستند .

آنچه امپریالیسم امریکا ، اکنون و در مرحلهٔ اول می‌تواند انجام دهد ، تشدید روزافزون محاصرهٔ اقتصادی و تحریک نیروهای خرابکارو عوامل ضد انقلاب در داخل ایران است .

و اما در پاسخ به این پرسش که آیا امپریالیسم امریکا به اقدامات نظامی علیه ایران دست خواهد زد یا نه ، باید گفت که دو عامل در برابرش وجود دارد . اگر بخواهد به یک اقدام نظامی وسیع دست بزند ، یعنی یکباره صد هزار نظامی در ایران پیاده کند و از زمین و هوا و دریا کشور ما را مورد تجاوز قرار دهد و بخواهد آن را تحت تسلط خود در آورد ، نه تنها در ایران بلکه در سرتاسر منطقه با شکستی وحشتناک روبرو خواهد شد ، و کلک امپریالیسم بکلی در منطقه کنده خواهد شد . عواقب چنین حادثه‌جوئی دیوانه‌واری ، حتی برای سیاستمداران امریکائی ، مانند وزیر جنگ امریکا که گوشی دستش است و از کم و کیف اوضاع اطلاع دارد و می‌داند که در منطقه چه نیروهای دیگری وجود دارند ، غیرقابل تصور است . وی گفته است که هیچ حسابی نمی‌تواند

www.iran-archive.com

پیروزی چنین نقشه‌ای را تامین کند، و هر اقدامی‌از این نوع ، با شکستی مفتضحانه روبرو خواهد گشت .

علاوه بر این ، اکنون در ایران آمادگی مقاومت بسیار شدیدی در مردم وجود دارد و بطور روزافزونی تقویت نیز خواهد شد . در نتیجه ، وحدت نیرومندی برای مقابله با این تحریکات به وجود خواهد آمد ، و به همین دلیل ، اجرای چنین نقشه‌ای ، برای آنها غیر قابل تصورتر خواهد بود . در اینجا باید این مساله را نیز یادآور شد که اتحاد شوروی ، به عنوان یک کشور همسایهٔ ایران ، رسما" امریکا را از چنین حادثه‌جوئی دیوانه‌واری بر حذر داشته است . دیشب خبرگزاری تاس گفته است که این اقدام می‌تواند به جنگ جهانی تبدیل شود . یعنی ابتدا جنگ میان ایران و امریکا در خواهد گرفت ، سپس منطقه را به آتش خواهد کشید و پس از آن به یک جنگ جهانی تمام عیار تبدیل خواهد شد .

ما تصور نمی‌کنیم که امپریالیسم امریکا ، علیرغم تمام حماقت‌هائی که در طول تاریخ از خود نشان داده و رکورد حماقت در زمینهٔ سیاست را شکسته است ، دست به چنین اقدام ابلهانه‌ای بزند . اما امکان دارد که به عملیات ایذائی علیه ایران‌بپردازد . یعنی مثلا" توسط دست نشاندگان و گروههای وابسته به خود ، به تحریک و خرابکاری و غیره دست بزند . این امکان کاملا" وجود دارد و باید بطوربسیار بسیار جدی ، روی آن حساب کرد . در این زمینه ، نخستین اقدامات امریکا این است که رژیم بعث عراق را که هم اکنون از انسجام رو به افزایش انقلاب‌ایران به هراس افتاده و در داخل کشور خود احساس ناامنی می‌کند ، وادار سازد که توسط عمال رنگارنگ خود به یک‌رشته تحریکات بسیار شدید ، هم در مرزها و هم در داخل ایران ، دست بزند . حزب ما افتخار می‌کند که نخستین نیروی سیاسی بود که خطر تهدیدها و تحریکات عراق را مطرح ساخت و با صراحت و روشنی تمام گفت که عراق چگونه و از کجا علیه انقلاب ایران وارد کارزار خواهد شد . زمانی‌که ما این مسائل را مطرح کردیم ، مقامات رسمی دولتی ، نه تنها آنها را تایید نکردند ، بلکه بعکس ، کوشیدند قضایا را ماست مالی کنند . آنها

از مناسبات دوستانه و حسن همجواری با عراق و غیره‌وغیره سخن می‌راندند و حتی افرادی را به بغداد فرستادند تا مسائل مورد اختلاف را از طریق مذاکره حل و فصل کنند ! این آقایان ، یا به ریشهٔ این مسائل پی نبرده بودند که تحریکات رژیم عراق جزئی از تحریکات امپریالیسم و ارتجاع منطقه علیه انقلاب ایران است ، یا نمی‌خواستند پی ببرند و در چارچوب سیاست سازشکارانهٔ آنها نمی‌گنجید که چنین چیزهایی را مطرح کنند ، و خلاصه با اعمال و حرفهای خود مردم را خواب کردند . اکنون می‌بینیم که تمام نکاتی که ما در مورد تحریکات رژیم عراق علیه انقلاب ایران پیش‌بینی و مطرح کردیم ، تنها پس از گذشت چند هفته ، در عمل ، درست از آب در آمده است .

مجموعهٔ این اقدامات ، حوادث و رویدادها ، باعث شده است که امروز ، در ایران ، حرکتی به سوی اتحاد تمامی نیروها برای مقابله با این خطرات ، آغاز شود . البته این را نیز نباید فراموش کرد که امپریالیسم و عمال رنگارنگش، که هزاران چهره دارند، بیکار ننشسته‌اند. همچنان که بارها گفته‌ایم، امیرانتظام‌ها، دریادار علوی‌ها، نزیه‌ها و مقدم مراغه‌ای‌ها، یا اسامی دیگری، هنوز در مهم‌ترین مقامات لشگری و کشوری و دولتی مانشسته‌اند ویا نفوذ دارند. این که امیرانتظام دوم وزارت خارجه، علوی دوم ارتش، نزیه دوم هیات وزیران و مقدم‌مراغه‌ای استان‌داران کیست، در آینده روشن خواهد شد. در ماه‌های آینده، مسایل روشن‌تر خواهند شد و چهره‌های دیگری، از پس یک دوره خیانت، بیرون خواهند آمد. تمام این عوامل، با تمام توان خود خواهند کوشید تا از هرگونه گرایشی به‌سوی اتحاد و هماهنگی نیروها جلوگیری به‌عمل آورند و در برابر آن خرابکاری کنند. به نظر ما سخنرانی امروز آقای فخرالدین حجازی ، با توجه به سوابق این شخص در رژیم سرنگون شدهٔ شاه ، و گفته‌های دیگری مانند این را ، که تنها در جهت خرابکاری ، تحریک ، ایجاد نفاق و تشدید اختلافات است ، باید در چنین چارچوبی مورد ارزیابی قرار داد . این گونه برخوردها که از سوی این افراد صورت می‌گیرد ، مسلماً در روزهای آینده تشدید خواهد شد . زیرا هر اندازه

گرایش به اتحاد عمل و کنار نهادن اختلافات بیشتر باشد ، این افراد سیاست خود را بیشتر در خطر می‌بینند و برای پیشبرد سیاست مزورانهٔ‌خود و نجات آن ، به هر کاری دست می‌زنند . در مقابل ، نیروهای راستین نیز باید با یکدیگر متحد شوند . ما این صدارا اکنون می‌شنویم ، و بسیاری، از آن پشتیبانی می‌کنند . اگر به مقالات‌روزنامه‌ها و نشریات گوناگون توجه کنید ، می‌بینید که این اندیشه تا چه اندازه وزن پیدا کرده‌است .

ازسوی دیگر ما صدای گرکنندهٔ تبلیغات زهرآگین گویندگان آریامهری را در رادیو تهران می‌شنویم که حنجره‌های خود را برای ایجاد نفاق ، تحریک و دامن زدن به اختلافات میان نیروهای انقلابی و فحاشی نسبت به آن‌ها ، پاره می‌کنند . این هردو گرایش، در هفته‌های آینده تشدید خواهند شد . اما به نظر ما ، آن گرایشی که‌پیروز و سربلند درخواهد آمد ، همان گرایش به نزدیکی ، اتحاد و همکاری میان نیروهای انقلابی ، هم در صحنهٔ داخلی ایران ، و هم میان نیروهای انقلابی ایران و مجموعهٔ جنبش ضد امپریالیستی جهانی ، در تمام اشکال و اجزاء آن است .این دو جنبه ، مسلما" رو به رشد و بالندگی هستند . ما امیدواریم که انقلاب شکوهمندخلق ایران ، در این مرحله نیز گامهای بلندی به سوی تحکیم ، تثبیت ، عمیق‌تر و خلقی‌تر شدن ، و ضد امپریالیست‌تر و دموکراتیک‌تر شدن واقعی ، به پیش بردارد . البته چنانکه در اعلامیهٔ تحلیلی خود نوشته‌ایم ، و پس از آن نیز مشروحا" تذکر داده‌ایم ، لازمهٔ اتحاد تمامی نیروهای‌انقلابی این است که رهبری انقلاب و دستگاه رهبری دولت ، سیاستی همه جانبه را در جهت پی‌ریزی این اتحاد ، و در مجموع جامعه ، در پیش گیرند . یعنی باید گامهایی بسیار جدی برای حل مسائل و دشواریهای عمده‌ای که در برابر جامعهٔ ما قرار گرفته است برداشته شود . مانند حل‌مسئله‌بیکاری و زمین ،براه انداختن صنایع ، از میان بردن تورم و جلو گیری از غارت سرمایه‌داران و غیره . برای حل این دشواریها ،می‌توان از شیوه‌هاو اشکال گوناگونی که ما آنها را طرح و پیشنهاد کرده‌ایم ، استفاده کرد . در چنین چارچوبی است که می‌توان این اتحاد را واقعا"

پی ریخت . تنها با شعار نمی‌توان خلق را تجهیز کرد و به‌راه‌انداخت . البته، شعارهای مبارزهٔ میهن‌پرستانه ، و علیه حملهٔ تجاوزکارانهٔ دشمن ، بسیار تجهیز کننده است . اما این تجهیز ، بدون تردید ، باید با اقدامات خلقی در جهت ریشه کن کردن تسلط قشرهای غیر خلقی و وابسته به امپریالیسم ، قشرهای زالو صفتی که خون مردم را می‌مکند ، همراه شود . در چنین مجموعه‌ای ، می‌توان اتحاد انقلابی نیروهارا تحکیم بخشید و آن را به نیروئی شکست‌ناپذیر مبدل ساخت . این آن چیزی است که ما برای آینده پیش بینی می‌کنیم . به همین جهت نیز ، حزب ما بر آن شده است‌تا علیرغم تمام روشهای خصمانه و فحاشی‌هایی که از جانب برخی عناصر ، گروهها و محافل علیه آن اعمال می‌شود ، سیاست آتش بس را در پیش گیرد . از سوی‌ما ، دیگر پاسخی به این حملات داده نخواهد شد . البته مدت این آتش بس بی‌پایان نخواهد بود و تا زمانی ادامه خواهد یافت که ببینیم گروه‌های دیگر بر سر عقل آمده‌اند ویاضروریات عینی جامعه آن‌ها را بر سرعقل آورده‌است تا در جهت اتحاد نیروها عمل کنند و ازتفرقه‌افکنی دست بردارند . ما به تناسب اینکه این مسائل چگونه تکامل یابند ، ممکن است موضعگیری خود را تغییر دهیم . اما فعلا" همان سیاست آتش بس را ، در برابر تمام حملاتی که علیه حزب ما انجام می‌گیرد ، در پیش گرفته‌ایم ، و تا رسیدن به شرایط یاد شده ، آن را ادامه خواهیم داد .

۲۱ فروردین ۱۳۵۹

اوضاع جهان و نقش امپریالیسم آمریکا

س : لطفا" کمی دربارهٔ اوضاع جهان و نقش امپریالیسم امریکا توضیح دهید .

ج : امپریالیسم امریکا اکنون علیه انقلاب ایران و منطقه ، دست به حمله و عمل زده است . زیرا انقلاب ایران تنها جنبهٔ محلی ندارد ، بلکه جنبشی است که در مجموعهٔ جهان در حال رشد و گسترش است .

www.iran-archive.com

در همین چند ماه اخیر ، علاوه بر انقلاب ایران و انقلاب نیکاراگوئه ، در السالوادور و پاره‌ای از جمهوری‌های دیگر امریکای لاتین ، جنبش‌هایی آغاز شده است . مبارزات خلق زیمبابوه ، سرانجام با شکست نژاد پرستان روبرو گشته است . در پاکستان و عربستان سعودی ، حرکاتی آغاز شده‌است . در مصر اکنون طوفانی به پا خاسته و اوضاع این کشور ، شبیه به اوضاع ایران در دو سال و نیم پیش است .

به همین دلیل ، امپریالیسم امریکا دست به یک تلاش جدی زده است تا بتواند در برابر این حرکتها و جنبش‌های جدید بایستد ، و در این مرحلهٔ تاریخی ، تا آنجا که ممکن است از سرعت و شتاب آنها بکاهد و آنها را ترمز کند .

اما از سوی دیگر ، می‌بینیم که نیروهای ضد امپریالیستی جهان هر روز نیرو ، نفوذ و اعتبار بیشتری به دست می‌آورند و میان آنها همکاری و اتحاد جدی‌تر و نیرومندتری برقرار می‌گردد . صرفنظر از گرایشهایی که در کشورهایی مانند ایران به چشم می‌خورد ، جنبش ضد امپریالیستی در مجموع خود ، جریان اتحاد ، وحدت و انسجام جبههٔ ضد امپریالیستی را روز بروز تحکیم بیشتری می‌بخشد و در نتیجهٔ تناسب نیروها به زیان امپریالیسم و به سود جنبش جهانی ضد امپریالیستی ، روز به روز خلقهای بیشتری برای از هم گسستن زنجیرهای امپریالیستی اسارت خود ، به پا می‌خیزند .

بدون تردید ، سالهای هشتاد ، برای ما ارمغانهای نوید بخشی به همراه خواهد داشت . ما نیز باید در اینجا ، تمام نیروی خود را بکار اندازیم و در این جهت ، عمل کنیم .

۲۱ فروردین ۱۳۵۹

آیا پیروزی انقلاب بدون همکاری با کشورهای سوسیالیستی ممکن است؟

س :بنا بر تجربهٔ تاریخی ، هیچیک از جنبش‌های رهایی بخش ، مگر آنهایی که بـه حـق ، کشورهای سوسیالیستی را متحد و مدافع انقلاب ملی و دموکراتیک خلق خود علیه امپریالیسم به سرکردگی

www.iran-archive.com

امپریالیسم امریکا دانسته و با کشورهای سوسیالیستی ، به ویژه اتحاد شوروی همکاری صمیمانه داشته‌اند ، نتوانسته‌اند به استقلال واقعی دست یابند و بندهای تسلط امپریالیسم امریکا را از دست و پای خود بگسلند . آیا انقلاب ملی و دموکراتیک ایران می‌تواند بدون تکیه‌به کشورهای سوسیالیستی ، به پیشرفت ادامه دهد و به هدفهای خود دست یابد ؟ اگر سریعا" به ضرورت اتکاء به کشورهای سوسیالیستی پی نبرند ، انقلاب ایران در برابر امپریالیسم امریکا با شکست مواجه نخواهد شد ؟

ج : این پرسش بسیار بجایی است . ببینید ، دوست گرامی ! ما این مساله را در سر مقاله‌ء مجله‌ء دنیا ، شماره‌ء ۶ ، مورد توجه قرار داده‌ایم . در همین تحلیل اخیر که کمیته‌ء مرکزی حزب ما درباره‌ء اوضاع جاری به عمل آورد ، و نیز در پاسخی که من به پرسش‌های مصاحبه‌گرروزنامه‌ء اطلاعات دادم ، درباره‌ء این‌مساله‌بحث شده‌است. در جهان ، یک جبهه‌ء واحدمتشکل از نیروهای ضدامپریالیستی وجود دارد ، در برابر یک جبهه‌ء امپریالیستی . نبرد میان این دونیرو ، نبرد جهانی دوران ما و محتوای آن است . در این جبهه‌ء نبرد جهانی ضد امپریالیستی ، عناصر گوناگون و گردانهای مختلفی شرکت دارند که دارای مواضع گوناگونی هستند . پاره‌ای از آنها موضعگیری کاملا" قاطع ضد امپریالیستی دارند و بی تزلزل و پیگیرند . پاره‌ای از آنها نیز موضگیری‌های نیم‌بند و متزلزل دارند . یعنی تغییر می‌کنند ، گاه به این سو وگاه به آن سو گرایش می‌یابند . اما به هر صورت ، در شرایط مشخص جهان امروز ما ، هیچ جنبش ضد امپریالیستی ، تنها و بطور جداگانه ، بدون بهره‌گیری از کمک و پشتیبانی ، و دوستی با مجموعه‌ء جنبش ضد امپریالیستی دورنمای روشن و مطمئنی ندارد . این جنبش جهانی ضد امپریالیستی سه عنصر اساسی دارد واین عناصر چنانکه بارها گفته‌ایم عبارتست از کشورهای سوسیالیستی ، جنبش کارگری کشورهای رشد یافته‌ء سرمایه‌داری ــ یعنی اروپا و آمریکا ــ و جنبش‌های آزادیبخش ملی کشورهای جهان سوم ، که بدون همکاری با مجموعه‌ء

این جنبش ، خلقها و کشورهای نو استقلال برای اینکه بتوانند مبارزهٔ خود را به سرانجام برسانند ، راه فوق‌العاده دشواری در پیش دارند . اما در اینجا عاملی هست که باید آن را به حساب آورد . این عامل ، پشتیبانی دائمی و مستمر مجموعهٔ جنبش ضد امپریالیستی جهانی از حرکت‌ها و جنبش‌های انقلابی جهان است که بطور بالقوه وجود دارد . یعنی صرفنظر از اینکه پاره‌ای از این جنبش‌ها ، مانند جنبش ایران ، از بام تا شام به اتحاد شوروی دشنام بدهند ــ از نوع همان دشنامهائی که امروز آقای فخرالدین حجازی می‌داد ــ سیاست اتحاد شوروی در پشتیبانی از انقلاب ایران وجود دارد ،عمل می‌کند و تاثیر می‌گذارد . روزنامهٔ کیهان دیروز نوشته بود که یک مین جمع کن و یک کشتی جنگی شوروی در تنگهٔ هرمز موضع گرفته‌اند . خوب ، مسلما " این کشتی و این مین جمع‌کن برای تماشا و آب و هوا خوردن به آنجا نرفته‌اند . برای آن رفته‌اند که به امپریالیسم امریکا بگویند که : آقا ! خیال نکنید در اینجا ، همین طوری در باز است و می‌توانید هر غلطی دلتان خواست ، بکنید

یعنی حتی اگر این یا آن جنبش ضد امپریالیستی ، از بام تا شام به اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دشنام هم بدهد ، در صورتی که ماهیت ضد امپریالیستی خود را حفظ کند عملا " درچهارچوب روابط مشخص همکاری ، پشتیبانی و همدردی کشورهای سوسیالیستی و سایر نیروهای انقلابی جهان قرار میگیرد . و همین پشتیبانی بالقوه و موثر این نیروها در جهان است که به امپریالیسم لجام می‌زند و او را از بسیاری از کارهایی که می‌تواند علیه این جنبش‌ها انجام دهد ، منصرف می‌سازد . یعنی اگر این نیروی جهانی وجود نداشت ، امپریالیسم می‌توانست به جنایات دامنه‌دارتری دست بزند نظیر آنچه که ما در کره و ویتنام شاهدش بوده‌ایم .من دو هفته‌پیش،یکی ازگفته‌های‌فیدل‌کاسترو را می‌خواندم . نوشته بود : زمانی که ما انقلاب کردیم ، باکشورهای سوسیالیستی رابطه‌ای نداشتیم . و واقعیت نیز این است که رابطه‌ای نداشتند . کاسترو در این گفتار پرسیده است که : اما اگر کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی وجود نداشتند و از ما حمایت

نمی‌کردند ، چه می‌شد ؟ و خود چنین پاسخ داده است : حداقل این که انقلاب خلق کوبا نابود می‌شد. این حداقل زیانی بود که بـه کوبا وارد مـی‌شد. یعنی همین وجـود کشورهای سوسیالیستـی،خود یک پشتیبانی بالقوهٔ عظیم برای جنبش‌های اصیل ضد امپریالیستی است . صرفنظر از اینکه این جنبش‌ها خود به این واقعیت اعتراف کنند و از آن بهره گیرند ، یا نه . اما اگر این جنبش‌ها آگاه شوندو به این واقعیت موجود جهان ما پی ببرند ، مسلما" پیروزیهایشان بمراتب بیشتر ، و پیشرفتهایشان بمراتب آسانتر صورت خواهد گرفت . در این تردیدی نیست . ما می‌بینیم که خلق ویتنام ، در آن شرایط دشوار رویارویی با ماشین جنگی وحشتناک امپریالیسم امریکا ، ـ ارتش ششصد هزار نفری تا دندان مسلح و مجهز به آخرین سلاحهای جنگی ، و ارتش یک میلیون نفری مرتجعین و خائنین جنوب ویتنام ـ با آگاهی از پشتیبانی بیدریغ و صادقانهٔ کشورهای سوسیالیستی و در درجهٔ اول اتحاد شوروی و بهره‌گیری از این پشتیبانی ، توانست بر نیروی عظیم دشمن غلبه کند. پس به این ترتیب ، این حکم بطور کلی درست است که یک جنبش ضد امپریالیستی در یک کشور ،بدون به رسمیت شناختن پشتیبانی خودبه‌خود کشورهای سوسیـالیستی، جنبش جهانی کارگری و سـایر نیـروهـای ضد امپریالیستی جهان ، می‌تواند به موفقیت‌هایی دست یابد و حتی این موفقیت‌ها را بطور جدی تا مدتی دراز نگاه‌دارد . اما مساله اینجا است که شناخت و بهره‌گیری همه جانبه از این پشتیبانی بالقوه موجود و بسیار موثر در جهان ، می‌تواند این موفقیت‌ها را بمراتب عمیق‌تر و همه جانبه‌تر کند . ما فکر می‌کنیم که در برابر جنبش انقلابی ایران‌نیز ، همچنانکه گفتیم ، یکی از این دو راه وجود دارد : همکاری و اتحاد با مجموعهٔ نیروهای ضد امپریالیستی جهان و مبارزهٔ پیگیر و بی‌امان علیه امپریالیسم در مجموعهٔ اشکال تاثیر و تظاهر آن ، و یا راه گام به گام به سوی سازش و تسلیم . یعنی راه مصر انورسادات و کشورهای دیگر نظیر آن .

این دو راه ، در برابر جنبش انقلابی ایران هست . ما امیدواریم که مبارزان راستین و اصیل ضد امپریالیستی و خلقی ایران ، با تجربهٔ

شخصی خود ، روز بروز درستی و صحت این ارزیابی تاریخی حزب ما را بیشتر درک کنند و از آن در جهت پیشبرد انقلاب شکوهمند خلق ایران علیه امپریالیسم ، بهره گیرند .

۲۱ فروردین ۱۳۵۹

حزب تودهٔ ایران و جریان‌های انحرافی در جنبش چپ

س : مگر نه این است که لنین با جریانهای گوناگون درون جنبش کمونیستی ، پیوسته مبارزهٔ ایدئولوژیک می‌کرد ؟ آیا فکر می‌کنید حزب تودهٔ ایران از چنین سیاستی پیروی کرده و مبارزهٔ ایدئولوژیک آن با جریانهای مذکور بطور پیوسته انجام گرفته است ؟ من فکر می‌کنم ناپیگیر بودن حزب در این مبارزه ، باعث رشد جریانهای انحرافی و ایجاد جو مسموم علیه حزب ما شده است .

ج : ببینید رفقا ! این دوست جوان بر اساس جمله‌ای که خودش ساخته و نیز فرضی که به آن افزوده است ، نتیجه می‌گیرد که ما علیه جریانهای انحرافی پیگیرانه مبارزه نکرده‌ایم ، و همین باعث بروز و رشد جریانهای انحرافی در درون و بیرون جنبش کمونیستی ایران شده است ! خوب ، دوست عزیز ! آیا جریان انحرافی مائوئیسم جهانی را که بسیار بسیار نیرومندتر از جریاناتی است که در ایران علیه حزب ما وجود دارد ، ناپیگیری جنبش جهانی کمونیستی در مبارزهٔ ایدئولوژیک ، ایجاد کرده است؟ عامل اصلی و عینی پیدایش جریانات انحرافی ، به هیچوجه نمی‌تواند اشتباه این یا آن حزب باشد . عامل عینی این انحرافات ، وابستگی‌های طبقاتی است و از ماهیت طبقاتی جنبش انقلابی سرچشمه می‌گیرد . این ، عامل اصلی و تعیین کننده است . من در تحلیلی که در زمینهٔ پیدایش جریانهای انحرافی بعد از جنگ دوم جهانی ، در مجموعهٔ جنبش جهانی ضد امپریالیستی و جنبش کمونیستی به عمل آورده‌ام ، ریشهٔ طبقاتی این پدیده را ، به عنوان یک واقعیت دوران پس از جنگ ، نشان داده‌ام . این تحلیل روشن می‌سازد که این

روند ، روندی کاملا" قانونمندانه بوده است . در دورانی که طی چند سال ــ ده تا بیست سال ــ چندین میلیارد نفر از اقشار ناهمگون خرده بورژوازی جهانی وارد میدان مبارزهٔ فعال ضدامپریالیستی می‌شوند ، ناگزیر تاثیر موضعگیری طبقاتی و جهان بینی طبقاتی خود را بر مجموعهٔ این جنبش به جا می‌گذارند . اکنون ، تقریبا" چهل سال از شروع جنگ جهانی دوم می‌گذرد . اگر سال ۱۹۴۰ را با سال ۱۹۸۰ مقایسه‌کنیم ، موضوع روشن‌تر خواهد شد . درسال ۱۹۴۰ مبارزهٔ ضد امپریالیستی جهانی ، چه وضعی داشت ؟ در آن زمان ، تنها کشور شوروی بود که یک تنه علیه تمام امپریالیسم جهانی می‌جنگید . تقریبا" سراسر جهان ، تحت تسلط مطلق سیاسی ، نظامی ، اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی امپریالیسم بود ، و تنها حرکات بسیار ناچیزی در اینجا و آنجا وجود داشت . در آن زمان ، مبارزهٔ ضدامپریالیستی بسیار نامحسوس بود و هنوز میلیاردها نفر از اقشار خرده بورژوازی جهانی ، یعنی دهقانان وخرده بورژوازی شهری که اکثریت مطلق ساکنین جهان را تشکیل می‌دادند ، وارد میدان مبارزه نشده بودند .

حالا امروزرا با آن روز مقایسه کنید . مبارزهٔ جهانی ضد امپریالیستی در سراسر جهان می‌جوشد . خوب ، اکثریت افرادی که در این‌مبارزه شرکت دارند ، از کدام طبقات و اقشار اجتماعی هستند ؟ همین اکثریت خلق ایران که اکنون دارد ، علیه امپریالیسم مبارزه می‌کند ،متعلق به کدام اقشار و طبقات است ؟ خرده بورژوازی ، دیگر ! دهقانان ، دهقانان آواره‌ای که به شهرها آمده‌اند ، خرده فروشها و کارگران زحمتکشی که همین‌چند سال پیش از روستاها کنده شده‌اند . اکثریت مطلق نیروهایی که اکنون درمبارزات ضدامپریالیستی کشورهای جهان‌سوم شرکت دارند ، با خرده بورژوازی است . و این ، نمی‌تواند اثر ایدئولوژیک خود را بر جنبش باقی نگذارد . اکثریت مطلق افراد وابسته به این‌جریانات انحرافی ، وابسته به خرده بورژوازی هستند و در محیط و جوّی خرده‌بورژوازی ، در جوّی ناسیونالیستی که به بورژوازی ملی مربوط‌است ، رشد کرده‌اند .

به این ترتیب ، این‌قضاوت که بر اساس آن ، گویا ناپیگیری

حزب تودهٔ ایران در مبارزهٔ ایدئولوژیک باعث ایجاد چنین انحرافاتی شده ، بی‌پایه و نادرست‌است . البته ممکن است در کار ما نواقصی وجود داشته باشد که آنچنان را آنچنان‌تر و پدیده‌های ناسالم را تقویت کند . واین موضوع نیز باید درهمین چارچوب مورد ارزیابی قرار گیرد . اما به این‌شکل قضاوت کردن ، واقعا" بی‌انصافی است . زیرا در ایران‌هیچ سازمان یا حزبی به اندازهٔ حزب تودهٔ ایران ، برای ترویج وگسترش مارکسیسم ـ لنینیسم و کوبیدن پدیده‌ها و جریانات انحرافی ، مبارزه نکرده است . سرتاسر زندگی حزب‌ما ، مبارزه با این پدیده‌های انحرافی است . ما از همان آغاز ،با گروههای کروژوکیست و تروتسکیست درگیر مبارزه شدیم . پس‌از شکست جنبش دموکراتیک آذربایجان ، با چپ روی‌ها و راست‌روی‌های گوناگون ، از جمله انحراف به راست گروه خلیل ملکی ، شدیدا" به مبارزه بر خاستیم و حزب را نجات دادیم . و در دوران سی ساله‌ٔ بعدی ، ناگزیر شدیم با انواع و اقسام انحرافها بجنگیم . امروز نیز ، همچنان درگیر این مبارزه هستیم و با انواع و اقسام انحرافات نبرد می‌کنیم . سر تا پای کار تبلیغی و ترویجی حزب ما بر این پایه استوار است . بیش از این نیز ،واقعا" توانایی نداریم . یعنی رفقامی‌توانند آرزوها و خواستهای دورودرازتری داشته باشند . اما توانایی حزب ما ، با توجه به امکانات محدودش ، به میزان معینی است و براستی بیش از این نمی‌توانیم کاری بکنیم .

شما حساب این را بکنید که در این یک ساله‌ٔ اخیر ، از سوی حزب تودهٔ ایران چقدر نشریات مارکسیستی ، تحلیل‌های سیاسی واقعی و بحثهای‌متعدد در زمینهٔ مبارزه با انحرافات‌گوناگون منتشر شده است . من فکر می‌کنم که در تمام دوران زندگی حزبی ما ، به اندازهٔ این یک سال ، تولید آثار ایدئولوژیک نداشته‌ایم . ما در این زمینه کوشش بسیار کرده‌ایم . در این یک سال ــ حتی از لحاظ حجم ــ انتشارات فوق العاده وسیعی داشته‌ایم .

به این ترتیب ، من فکر می‌کنم ایراد این‌دوست جوان به حزب ما ، در مورد نا پیگیری آن در مبارزه با انحرافات درون جنبش کمونیستی ، ایراد عادلانه‌ای نیست .

۲۱ فروردین ۱۳۵۹

www.iranarchive.com

نظر ما دربارهٔ ارتش جمهوری اسلامی

س : نظر حزب تودهٔ ایران در مورد ارتش جمهوری اسلامی چیست ؟ عده‌ای می‌گویند شما معتقدید که گویا ارتش موجود ایران ، یک ارتش خلقی است ، آیا واقعاً " چنین است ؟

ج : والله ، هر چه را می‌شود به ما نسبت داد ، جز این یکی ! ما دربارهٔ لزوم تصفیهٔ وسیع ارتش از تمام عناصر ضد خلقی ، عناصر وابسته به امپریالیسم ، عناصر وابسته به رژیم سرنگون شده ، ساواکی‌ها ،ضد اطلاعاتی‌ها و عناصر فاسدشده ، این همه مقاله نوشته‌ایم و باز هم می‌نویسیم . ما در هیچ کدام از این نوشته‌ها ، چنین برداشتی نداشته‌ایم که ارتش‌موجود ایران ، یک‌ارتش خلقی است . با این همه ، اگر کسانی علیرغم این همه روشنگری و کار توضیحی حزب ما در مورد ارتش، هنوز معتقدند که ما گفته‌ایم ارتش حاضر یک ارتش خلقی است ، من در اینجا یک‌بار دیگر نظر حزب‌تودهٔ ایران را تکرار می‌کنم :

در این زمینه ،موضعگیری حزب ما این است که برای اینکه ارتش ما به یک ارتش خلقی تبدیل شود ، باید راه دراز دگرگونیهای بنیادی را درپیش گیرد . اگر این دگرگونی در ارتش به‌وجود نیاید ، در لحظات حساس و بحرانی، از ناحیهٔ آن، خطراتی جدی انقلاب ما را تهدید می‌کند .

ما امیدواریم که رهبری انقلاب ایران ، این‌هشدارها و بیدارباشهای حزب ما را جدی تلقی کند و دراین زمینه ، از سوی مقامات مسئول هیچ گونه قصوری صورت نگیرد .

۲۱ فروردین ۱۳۵۹

آیا افغانستان ظرفیت یک دولت مارکسیستی را دارد؟

س : با توجه بهاینکه گروههای مارکسیست و از جمله حزب تودهٔ ایران در شرایط کنونی جامعهٔ ایران ، عنوان کردن یک حکومت مارکسیستی را صلاح نمی‌دانند ، آیا می‌توان در جامعهٔ افغانستان که از لحاظ فرهنگی و اجتماعی در سطحی پایین‌تراز کشور ما قرار دارد و تعلقات مذهبی نیز در آن شدیدتر است ، یک حکومت مارکسیستی روی کار آورد ؟ آیا بحران موجود ، بر اساس همین تندروی در سیاست حزب مارکسیست افغانستان نیست ؟
با تشکر ، یک دانشجوی مسلمان .

ج: این پرسش ، بجا و درست است و ما به آن‌پاسخ می‌دهیم . رفقا ! مسالهٔ اینکه در یک کشور ، چه‌نوع رژیمی ، بر پایهٔ‌کدام جهان‌بینی قدرت را بدست گیرد ، در درجهٔ اول به سطح آگاهی و تجربه نیروهای خلقی این جامعه و پشتیبانی آنها از این یا آن سیاست ، از این یا آن سمتگیری سیاسی و این‌یا آن حزب و برنامهٔ سیاسی اجتماعی‌اش مربوط است . نمی‌توان رژیمی را به جامعه‌ای که آن را نمی‌پذیرد ،تحمیل کرد .ما معتقدیم که در افغانستان ، حزب دموکراتیک خلق افغانستان در دوران رهبری تره‌کی و پس از آن بویژه تحت تاثیر حفیظ الله امین که توانسته بود در این حزب‌قدرت زیادی بدست آورد و سیاست خائنانه‌ای را با پوششی " ماورای انقلابی " پیاده کند ،در زمینهٔ مسایل جامعهٔ افغانستان ، چپ‌روی‌های فوق العاده شدیدی کرد و اشتباهات بسیار زیادی مرتکب شد . این‌اشتباهات ، بدون تردید امکاناتی برای تحریکات ضدانقلابی در افغانستان به وجود آورده‌است . ولی‌نیروهای راستین انقلابی در حزب دموکراتیک خلق‌افغانستان بر این سرطان خطرناک که حزب و مجموعهٔ انقلاب خلقی را به ورطه‌نابودی سوق میداد چیره‌شدند . و با تمام نیروی‌خود

www.iran-archive.com

می‌کوشند این اشتباهات را جبران‌کند . این رژیم ،سیاستی را در پیش گرفته است که به‌تمام معناخلقی است ، سیاست‌همکاری با تمام نیروهای انقلابی جامعهٔ افغانستان است که یک اکثریت نیرومند مسلمان در آن وجود دارد . مافکر می‌کنیم که این سیاست ــ تا آنجا که اطلاع داریم ــ سیاست درستی است و نتیجهٔ مطلوب به بار خواهد آورد .

آنچه که اکنون مطرح است ، مسالهٔ تحمیل یک ایدئولوژی به این یا آن جامعه ، جامعهٔ افغانستان و یا جامعهٔ ایران نیست ، بلکه عبارت است از برگزیدن یک‌مشی سیاسی ، یک سمتگیری سیاسی ، یک تحول سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی که در برابر این کشورها وجود دارد . به همین دلیل است‌که ما در برنامهٔ جبههٔ‌متحد خلق ، که آن را پیشنهاد کرده‌ایم ، اصلا" این‌مساله ،یعنی‌مسالهٔ ایدئولوژی را مطرح نساخته‌ایم وتنها به مسائل مشخص دگرگونیهای بنیادی اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی به عنوان آن وجه مشترکی که تمام‌نیروهای انقلابی جامعهٔ ایران می‌توانند بر اساس آن با یکدیگر همکاری کنند ، پرداخته‌ایم . و با توجه به همین مساله که‌درایران اکثریت بزرگی از پیروان دین اسلام‌وجود دارد ، که‌از کارگران ودهقانان وخلقی‌که مامی‌خواهیم به‌یاری‌او جامعه‌رادگرگون سازیم ،تشکیل می‌شوند ،پذیرفته‌ایم که این دگرگونی‌های بنیادی جامعهٔ ایران ــ که‌ما در زمینهٔ اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی پیش بینی و پیشنهاد کرده‌ایم ــ در شرایط کنونی ایران یعنی در چارچوب جمهوری اسلامی ایران ، در چارچوب اسلام انقلابی که امام خمینی مبشر و مدافع آن است‌تنها در چارچوب همکاری همهٔ نیروهای خلقی اعم از مارکسیست‌ها و مبارزان مسلمان می‌تواند ، انجام گیرد .

ما راهی را که در پیش گرفته‌ایم ، راه درستی می‌دانیم . مافکر می‌کنیم که این راه ، در ایران و تمام کشورهایی که‌مانند ایران دارای یک اکثریت بزرگ افراد متعهد اسلامی ، یک اکثریت نزدیک به مطلق مسلمان در میان خلق‌خود هستند ،یگانه راه درست پیشرفت اجتماعی وایجاد اتحادی واقعی در درون خلق است . البته این راه ، راه بسیار دشواری است . این دشواری از آنجا است‌که امپریالیسم و ارتجاع ،سالهای سال با تمام قدرت و امکانات خود برای ایجاد نفاق میان نیروهای مسلمان و

مبارزان مارکسیست کوشش کرده‌است و هنوزهم می‌کند . بدون تردید برخی اشتباهات که یا خود مارکسیست‌ها ، هواداران راستین مارکسیسم ونیز هواداران ناآگاه آن و یا به اصطلاح مارکسیست‌ها و مدعیان مارکسیسم ــ که ما هم اکنون نیز شاهد آن هستیم ــ کرده‌اند و می‌کنند ، امر پیشرفت در این راه را دشوارتر میسازد

به‌این ترتیب ،کار فوق‌العاده دشواری در پیش است . اما این روند ، روندی است که بدون تردید از لحاظ تاریخی پیروز خواهد شد . مانمونه‌های این پیروزی تاریخی را در کشورهای دیگری که راه سمتگیری سوسیالیستی رایافته‌اند و درپیش گرفته‌اند ، می‌بینیم . در این کشورها نیز اکثریت آحاد خلق ، دارای اعتقادات مذهبی هستند . اما این امکان پیدا شده است که‌میان‌هواداران اصیل ، راستین و خلقی اعتقادات مذهبی ، و مبارزان واقع‌بین مارکسیست ــ لنینیست ، فضای همکاری وحسن تفاهم به‌وجود آید .

۲۱ فروردین ۱۳۵۹

www.iran-archive.com